

بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم
(مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)

سیدحسین سراجزاده*، اشرف گیلانی**

طرح مسئله: برای تبیین پدیده ترس از جرم نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی مثل بی‌سازمانی اجتماعی، بوم‌شناسی اجتماعی، جامعه بیم زده، قربانی شدن، تاثیر رسانه و آسیب پذیری مطرح شده است. در این مقاله تلاش شده است تا دلالت‌های نظریه‌های بوم‌شناسی و بی‌سازمانی اجتماعی برای موضوع ترس از جرم بررسی شود.

روش: با روش پیمایش نمونه‌ای ۳۰۰ نفره از ساکنان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران، که از نظر بی‌سازمانی اجتماعی و فیزیکی در وضعیت کاملاً متفاوتی هستند، مورد بررسی قرار گرفتند. متغیر ترس از جرم با دو بعد احساس امنیت و نگرانی از جرم و متغیر بی‌سازمانی با ابعاد بی‌نظمی اجتماعی، نگرانی اجتماعی، تنوع خرده فرهنگی، پیوندهای محله‌ای، و دلبستگی محله‌ای تعریف عملیاتی و با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای سنجیده شدند.

یافته‌ها: ترس از جرم در ساکنان منطقه ۱۲، بیش از منطقه ۳ بود. همچنین ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی به جز پیوندهای محله‌ای، و دلبستگی محله‌ای در منطقه ۱۲ کمتر از منطقه ۳ بود. همه ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی با ترس از جرم رابطه معناداری داشتند.

نتایج: مقایسه میزان ترس از جرم در دو منطقه مورد مطالعه و همچنین رابطه ابعاد بی‌سازمانی با ترس از جرم موید نظریه بی‌سازمانی است. تنها استثنا روابط محله‌ای است که رابطه اش با ترس از جرم معکوس بود. این پدیده با توجه به بافت اجتماعی دو محله مورد مطالعه قابل توضیح است.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت، ترس از جرم، بزه‌دیدگی، بی‌سازمانی اجتماعی،

پیوند محله‌ای

تاریخ دریافت: ۱۵/۲/۸۹ تاریخ پذیرش: ۱۸/۱۰/۸۹

* دکتر جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران، <serajsh@yahoo.com>

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه

ظهور اصطلاحاتی از قبیل سیاست‌های ترس، ترس از جرم و ترس از آینده گواهی بر اهمیت ترس در دنیای کنونی است. در سال‌های اخیر سوالات پیرامون ترس و نگرانی در ارتباط با مسائل گسترده‌ای مثل ترس از محیط شهری، ترس از جرم، ترس از دیگران و تقویت ترس از طریق رسانه‌ها مطرح شده است. ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروزه به نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آنان تاثیر فراوانی بر جای می‌گذارد (Furedi, 2007: 21).

به نظر دورکیم (۱۳۶۲: ۹۳-۹۶)، ترس جنبه مثبتی از زندگی اجتماعی ست. به این دلیل که ترس، شهروندان را برای به عهده گرفتن برخی مسئولیت‌ها در قبال کنترل جرم بر می‌انگیزد و از طریق تقویت نظم هنجارین منجر به تقویت اجماع اجتماعی می‌شود. با این حال، پژوهشگران دیگر، ترس را یکی از عوامل پایین آوردن کیفیت زندگی و میزان امنیت دانسته‌اند (Hwang, 2006: 12-20). در تحلیل نهایی، آنچه ترس از جرم را به عنوان یک مساله اجتماعی مطرح می‌کند، عمق و شدت پیامدهای آن برای افراد و جامعه است. مردم به شیوه‌های متفاوتی به ترس از جرم واکنش نشان می‌دهند. آنها ممکن است از حضور در مکان‌های معین و در زمان‌های ویژه اجتناب کنند، تجهیزات پیشگیری از جرم خریداری نمایند، گروه‌هایی علیه جرم و یا به منظور دفاع از خود تشکیل دهند، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی شان را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره‌گیری کنند. زوال زندگی اجتماعی ناشی از ترس، همچنین ممکن است منجر به افول توانایی جامعه برای مواجهه با جرم شود (Grohe, 2006: 51-52). با این حال پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توزیع ترس همواره منطبق با نقشه واقعی جرم نیست. یک شهر امن‌جایی ست که خیابان‌ها و مکان‌های عمومی اش عاری از خشونت و جرم باشد، اما این لزوماً به معنای عاری بودن شهر از ترس نیست (Brenda, 1997: 173-286). به علاوه در شهرهای بزرگ که معمولاً مردم با جرم و ترس ناشی از آن دست به‌گریبان هستند، گروه‌های مختلف اجتماعی و ساکنان مناطق مختلف به یک میزان احساس ترس از جرم ندارند.

پرسش اصلی مقاله این است که آیا ساکنان مناطقی که از نظر نظم و سازمان یافتگی فیزیکی و اجتماعی تفاوت زیادی دارند، دارای میزان متفاوتی از ترس از جرم هستند؟ همچنین مقاله به این موضوع می‌پردازد که آیا بین احساس بی‌سازمانی و بی‌نظمی اجتماعی با ترس از جرم رابطه‌ای وجود دارد؟ برای این منظور ترس از جرم در بین نمونه‌ای از ساکنان دو منطقه شهر تهران (منطقه ۳ و ۱۲، که از نظر نظم و سامان یافتگی فیزیکی و اجتماعی کاملاً متفاوت هستند) بررسی می‌شود.

پیشینه نظری

محققان برای تبیین ترس از جرم از مفاهیم و مکانیسم‌هایی از قبیل تصور یا ارزیابی خطر، آسیب‌پذیری، نگرانی اجتماعی، بی‌نظمی‌های شهری، فضای قابل دفاع و ... بهره جسته‌اند. بعضی از تئوری‌ها بحث ترس از جرم را با مفهوم جامعه بیم زده و در قالب گفتمان مدرنیته مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این استدلال ترس از جرم بازنمای پیشرفت‌های تکنولوژیکی ست و جامعه‌ی مخاطره‌آمیز و تغییرات فرهنگی و اجتماعی مرتبط با گسترش فردگرایی را متمایز می‌کند. زندگی در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز در عصر فردگرایی به معنای بازتعریف پرسش‌های موجود پیرامون امنیت، مصونیت و قطعیت است. آن چه تحت عنوان ترس از جرم بررسی می‌شود، ترس از جرم نیست بلکه بیانگر زیستن در عصر تداوم نامطمئن‌ها است. جرم ریسک مدرنیزاسیون است و یکی از تأثیرات ثانویه-ی مدرنیته است به طوری که شبکه‌ای شدن سازمان‌های قدرتمند جرم و تلاششان برای سلطه بر جامعه‌ی جهانی، زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دچار اختلال کرده است (Short, 1984: 713-714; Hale, 1994: 77-78). ترس، ویژگی دوران مدرن است. این ترس نه فقط در ارتباط با جرم که در ارتباط با مسائل دیگر نیز مطرح می‌شود. به عنوان مثال یکی از ترس‌های مهم دوران مدرنیته‌ی متاخر، ترس از غذاست به ویژه ترس از غذاهای تولید شده از طریق دستکاری ژنتیکی یا تکنولوژی‌های پیشرفته‌ی دیگر. در واقع جرم و پاکیزگی غذا در کنار حوادث صنعتی، آلودگی، بیکاری و فقر مجموعه مسائلی

هستند که به صورتی وسواس گونه جوامع مدرن را درگیر خود کرده‌اند. در جوامع مدرن ریسک به عنوان بخش هنجارمند زندگی تلقی می‌شود (Simon, 2001: 22).

در کنار این تحلیل‌های کلان، نظریه‌های برد متوسطی هم مطرح شده‌اند که ترس از جرم را با متغیرهای اجتماعی محدودتر مرتبط می‌سازند که در اینجا مرور می‌شوند.

رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی: این رویکرد در قالب مدلی سه گانه به مساله ترس از جرم می‌پردازد: مدل تنوع خرده فرهنگی، مدل بی‌نظمی اجتماعی، و مدل نگرانی اجتماعی. بر اساس مدل تنوع خرده فرهنگی اجتماعاتی که در آنها تنوع قومی و نژادی بسیاری وجود دارد و این اقوام هریک بدون پیوند با کلیت اجتماع از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند، ترس از جرم بیشتر خواهد بود (Chricos, 1997: 117). مدل بی‌نظمی رابطه‌ی مثبتی بین تصور فرد از محیط اجتماعی و فیزیکی و ترس از جرم می‌بیند. بی‌نظمی هم در اشکال فیزیکی و هم در اشکال اجتماعی نشان دهنده‌ی ضعف کنترل اجتماعی و فقدان توجه به محیط پیرامونی فرد است و در نهایت منجر به تصور ریسک بالای بزه‌دیدگی می‌شود (Crank & Gia Comazzi, 2003: 251). مدل نگرانی اجتماعی ترس از بزه‌دیدگی را ناشی از نگرانی درباره زوال اجتماع می‌داند به نحوی که ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی محلی باعث برجسته شدن ترس از جرم می‌شود. پژوهشگران عموماً نگرانی اجتماعی را به عنوان یک پدیده مرتبط با بی‌نظمی و ترس مطرح می‌کنند. هنگامی که مردم شاخص‌های بی‌نظمی را می‌بینند، این امر آنان را به این باور می‌رساند که اجتماع رو به زوال است و اینکه جامعه آنطور که باید باشد نیست و این همان چیزی است که موجب ترس از بزه‌دیدگی می‌شود (Lane & Meeker, 2005: 630).

رویکرد بزه‌دیدگی یا قربانی شدن: ایده‌ی اصلی مدل بزه‌دیدگی این است که رابطه‌ی مستقیمی بین بزه‌دیدگی و ترس از جرم وجود دارد. این رویکرد فرض را بر این می‌گیرد که ریسک جرم و تجربه‌ی بزه‌دیدگی نکاتی کلیدی برای درک این نکته است که چرا برخی از مردم نگرانی‌هایی را درباره‌ی جرم گزارش می‌دهند در حالی که دیگران اینگونه نیستند. در نتیجه ترس از جرم عمدتاً نتیجه‌ی بزه‌دیدگی دانسته می‌شود (Crank & Gia Comazzi, 2003: 251).

آسیب‌پذیری: آسیب‌پذیری دربارۀ جرم سه بعد دارد: وجود ریسک، پیش‌بینی پیامدهای آسیب‌پذیری، و فقدان کنترل. هر سه عامل منجر به تولید ترس می‌شوند. ترس همچنین در ارتباط با جنبه‌های نهادی، اجتماعی و فیزیکی آسیب‌پذیری ست. برای مثال زنان، سالخورده‌گان و افرادی که وضعیت سلامت بدی دارند (عامل فیزیکی)، افراد بدون شبکه‌های حمایت اجتماعی (عامل اجتماعی) و افراد ساکن در مناطقی که کسی برای کمک کردن نیست (عامل نهادی) میزان ترس از جرم متفاوت است (Farrall et al., 2007: 5).

دیدگاه تاثیر رسانه: رسانه‌ها ترس غیر عقلانی و بی‌موردی را از طریق افراط در پوشش نمایشی جرم (معمولاً جرایم خشونت‌آمیز) ایجاد می‌کنند. به این ترتیب رسانه‌ها ممکن است جغرافیای ترس ایجاد کنند و بر حضور و استفاده‌ی ما از مکان‌های خصوصی و عمومی تاثیر بگذارند (Banks, 2005: 170).

در بین نظریه‌هایی که برای تبیین پدیده ترس از جرم مطرح شد، نظریه جامعه بیم زده در یک سطح تحلیل اجتماعی و تاریخی کلان قابل بررسی است و در این پژوهش موضوعیت ندارد. در این مقاله بر اساس رویکرد بی‌سازمانی، به خصوص بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی، دو منطقه تهران از حیث ترس از جرم مقایسه می‌شوند. همچنین براساس نظریه بی‌سازمانی و مدل‌های سه گانه مورد بحث در این نظریه (تنوع خرده فرهنگی، بی‌نظمی اجتماعی، و نگرانی اجتماعی) رابطه متغیرهای احساس نگرانی اجتماعی، احساس بی‌نظمی در اجتماع، پیوندهای محله‌ای، و احساس تعلق خاطر نسبت به محله، و نگرش نسبت به پلیس با ترس از جرم در سطح تحلیل فردی آزمون می‌شوند.

فرض تئوریک مقاله این است که ترس از جرم در بین ساکنان منطقه ۳ کمتر از ساکنان منطقه ۱۲ خواهد بود. همچنین متغیرهای نگرانی اجتماعی و احساس بی‌نظمی در اجتماع با ترس از جرم رابطه مثبت و متغیرهای پیوندهای محله‌ای، احساس تعلق خاطر نسبت به محله، و نگرش نسبت به پلیس با ترس از جرم رابطه منفی دارند.

پیشینه تجربی تحقیق

تا پیش از دهه‌ی ۱۹۷۰ ترس از جرم به عنوان مساله‌ای اجتماعی مطرح نشده و به طور جدی وارد گفتمان جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نشده بود. جرم‌شناسی کلاسیک پیش از هر چیز متوجه شرح انواع تاثیر پیشگیرانه مجازات‌ها و با تاکید بر مطالعه مجرمان بود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ با بالا رفتن میزان جرم توجه به بزه‌دیدگان مطرح شد. به جای آزمون انگیزه‌ی مجرم، پرسش پیرامون تاثیر جرم بر زندگی بزه‌دیده و بر اجتماع بزرگتر محور مباحثات قرار گرفت. جرم، ترسی را در میان مردم بر می‌انگیخت که منجر به تهدید اجتماع می‌شد. در اینجا بود که ترس از جرم، به همان اندازه خود جرم مساله‌ای اجتماعی شد (Lewis & Salem, 1986: 3). از این به بعد تحقیقات زیادی در کشورهای غربی درباره ترس از جرم و احساس امنیت مطرح شد که دلالت‌های نظری آنها در پیشینه نظری مطرح شد و در اینجا به نمونه‌هایی که به متغیرهای بی‌سازمانی پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

عبدالله یوسف (Yousef, 1994) در رساله دکترای خود با عنوان ترس از جرم، این موضوع را در سه بخش بررسی می‌کند: عوامل تعیین کننده‌ی ترس از جرم، پیامدهای ترس و سنجش ترس از جرم. به عقیده‌ی یوسف ترس از جرم به خاطر ایجاد حالات روان شناختی زیان آوری مثل نگرانی، بی‌اعتمادی، بیگانگی، نارضایتی از زندگی، انزوای اجتماعی، و ... یک مساله اجتماعی است. در تحقیق وی علاوه بر متغیرهای دموگرافیک متغیرهای مربوط به شرایط محله از نظر بی‌سازمانی اجتماعی و فیزیکی (زباله‌های رها شده در خیابان‌ها، دیوار نبشته‌ها، ساختمان‌های نیمه کاره و یا متروکه، ولگردی، در یوزگی، فحش‌های آشکار و ...) بررسی می‌شوند. تحقیق یوسف، که با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایشی مرکز پژوهش می‌سی سی پی در سال ۱۹۹۱ اجرا شد، رابطه متغیرهای بی‌سازمانی و ترس از جرم را تایید می‌کند.

جاشوا هینکل (Jashua Hinkel, 2005) در تحقیقی با عنوان تأثیر بی‌نظمی بر ترس، از تئوری شیشه‌های شکسته استفاده کرد. در این رساله علاوه بر تئوری شیشه‌های شکسته، نقش پلیس در کاهش ترس از جرم هم به بحث کشیده شده است. ایده‌ی اصلی این است

که از آنجایی که بی‌نظمی به مسائلی از قبیل مستی، عربده کشی، کارتن خوابی، تکدی‌گری و اموری از این قبیل نیز اشاره دارد؛ پلیس می‌تواند با تمرکز بر بی‌نظمی، به گونه‌ای موثر بر جرم و ترس از جرم تاثیر بگذارد. نتیجه‌ی کلی تایید رابطه‌ی معنادار میان بی‌نظمی‌های مشهود و میزان ترس از جرم است.

در ایران، تحقیق درباره ترس از جرم و احساس امنیت بسیار کوتاه است و به یک دهه نمی‌رسد. دلاور (۱۳۸۴)، به نقل از بیات، ۱۳۸۷:ب: ۱۱۷) در یک پژوهش پیمایشی با نمونه‌ای ۳۱۰۰ نفره از مراکز استان‌های کشور احساس امنیت را با ابعاد جانی، اقتصادی، نوامیس و اجتماعی بررسی کرد. بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به امنیت اجتماعی (۴۲ درصد) و کمترین آن مربوط به امنیت امنیت جانی (۱۴ درصد) بود. متغیرهای دموگرافیک جنسیت، سن، وضع تاهل با احساس امنیت رابطه داشتند.

سیدزاده (۱۳۸۷) در مقاله‌ای مروری با عنوان «ترس از بزه‌دیدگی مکرر» برخی از پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون مساله ترس از جرم را مرور می‌کند. به نظر او ترس از جرم احساسی ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است و این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری می‌باشد که به تصور فرد در محیط پیرامونی او وجود دارد. مهم‌ترین دلیل مطرح شدن مفهوم ترس از جرم فاصله میان میزان خطر واقعی بزه‌دیدگی و درک مردم از احتمال بزه‌دیدگی است. بر اساس اکثر تحقیق‌های انجام شده، ترس از جرم سختی با میزان واقعی جرایم ندارد. مردم در اکثر جوامع بر این باورند که میزان جرایم در محل زندگی شان بیش از سایر مکان‌هاست یا تصور می‌کنند که آمار جرایم نسبت به گذشته افزایش یافته حال آنکه آمارهای رسمی چنین نمی‌گویند. در مقاله سید زاده سن، جنس، جغرافیا، قومیت و فرهنگ، رسانه‌های گروهی و نیز تجربه قبلی بزه‌دیدگی به عنوان برخی از عوامل احتمالی موثر بر ترس از جرم مطرح شده‌اند و بر اساس یافته‌های تحقیقات این حوزه عنوان شده است که: تجارب قبلی بزه‌دیدگی در زنان ترس بیشتری را در مقایسه با مردان ایجاد می‌کند: در صورت بروز بزه‌دیدگی جوانان بیشتر از کهنسالان ترس از جرم را تجربه می‌کنند: و زندگی در یک محله ثروتمند و دارای شرایط مناسب اجتماعی و پیوستگی اجتماعی بالا از تاثیرات بزه‌دیدگی می‌کاهد.

غلامرضا غفاری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم» به گونه‌ای غیر مستقیم به بحث ترس از جرم می‌پردازد. به نظر او سرمایه اجتماعی می‌تواند نگرش مثبتی نسبت به سازمان‌های مجری قانون در ذهن افراد ایجاد کند به ویژه به این دلیل که عملکرد پلیس و سایر نهادها در جایی که شبکه‌ها قوی هستند و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، موثرتر است. او با بررسی انواع مختلف سرمایه اجتماعی، گسترش سرمایه اجتماعی عام گرایانه و کاهش سرمایه اجتماعی خاص گرایانه را موجب کاهش جرم می‌داند که این موضوع می‌تواند به تبع خود به کاهش میزان ترس از جرم بیانجامد. در تحقیق دیگری بیات (۱۳۸۷ الف؛ ۱۳۸۷ ب: ۱۱۵-۱۳۲) به بررسی متغیرهای موثر بر احساس امنیت در بین شهروندان تهران پرداخته است. در این تحقیق ترس از جرم به عنوان زیرشاخه و جزئی از مفهوم کلان‌تر امنیت مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش پیمایشی با یک نمونه ۷۸۸ نفره از شهروندان بالای ۱۸ سال مصاحبه شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، منطقه‌ی محل سکونت، تاهل و سن پاسخگویان متفاوت است. همچنین بین میزان احساس ناامنی و متغیرهای میزان بروز جرایم، انتظار از پلیس، پرداخت رسانه‌ای، هویت، اعتماد، تعلق محله‌ای و ساختار شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در بین تحقیقات انجام شده در ایران، دو تحقیق به مسئله زنان و ترس از جرم پرداخته‌اند. علیخواه و ربیعی (۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۳۲) به بررسی ترس از جرم زنان در فضاهای عمومی شهر تهران می‌پردازند. در این تحقیق پیمایشی نمونه‌ای ۸۰۰ نفره از زنان ساکن در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران بررسی شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت نمی‌کنند. در بین زنان تحصیل کرده، زنان با درآمد بالاتر، زنانی که در محله‌شان ساختمان‌ها و خانه‌های نیمه متروکه کم‌تر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند؛ ترس از جرم کمتر بوده است. صادقی و میرحسینی (۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۵۲) همین موضوع را به روش کیفی و بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه عمیق با نمونه‌ای ۵۰ نفره از زنان ۱۹ تا ۵۵ ساله تهرانی انجام

می‌دهند. آنها نتیجه گیری می‌کنند که ترس از جرم در بین زنان امری پیچیده است که در فرایند زندگی اجتماعی و در ارتباط با درک زنان از مناسبات قدرت جنسیتی شکل می‌گیرد و به شکل طردهای فضایی اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های فضایی نمایان می‌شود. آنها عوامل متعددی مثل نوع جامعه پذیریری، تجربه خشونت، ترس از تجاوز جنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، عدم حمایت قانونی، ترس از برپسب خوردن را با ترس زنان از جرم مرتبط می‌دانند.

با جمع‌بندی این تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت که در محدود تحقیقات انجام شده در ایران شرایط محیطی و به خصوص بی‌سازمانی اجتماعی فیزیکی منطقه و محله عامل تاثیرگذاری بر ترس از جرم شناخته شده است. با وجود این، کمتر تحقیقی به صورت متمرکز به آن پرداخته است. در این مقاله تلاش شده تا این خلاء تا حدی بر طرف شود.

روش تحقیق

داده‌هایی که این مقاله بر اساس آنها تنظیم شده است، به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه (به صورت مصاحبه حضوری) گردآوری شده‌اند. واحد مطالعه فرد و واحد تحلیل، هنگامی که دو منطقه شهر تهران مقایسه می‌شود واحد اجتماعی (منطقه) است، و هنگامی که روابط متغیرها بررسی می‌شوند فرد می‌باشد.

جمعیت و نمونه

جمعیت مورد مطالعه زنان و مردان بالای ۱۵ سال مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران می‌باشد. از آنجایی نوعی مقایسه میان مناطقی که از نظر بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی در سطحی پایین‌تر قرار دارند و مناطقی که از این نظر در سطوح بالا تری هستند مد نظر بود، جمعیت نمونه می‌بایست از مناطقی برگزیده می‌شدند که دارای این ویژگی‌ها باشند. با استفاده از نظر افراد مطلع منطقه ۱۲، به عنوان منطقه‌ای با میزان بالای آشفته‌گی‌های فیزیکی و اجتماعی و منطقه ۳ به عنوان منطقه دارای میزان پایین انتخاب شد. مشاهدات عینی منطقه‌ای هم حاکی از آشفته‌گی‌ها و بی‌نظمی‌های مشهود فیزیکی و اجتماعی منطقه ۱۲ بود.

به عنوان مثال، در بعضی نواحی به محض تاریک شدن هوا، انبوهی از معترضان و کارتن خواب‌ها که در خیابان‌ها و پیاده‌روها پرسه می‌زدند؛ به چشم می‌خورد. در هر منطقه یک نمونه ۱۵۰ نفری انتخاب شد. برای پر کردن پرسشنامه‌ها ۵ بلوک از هر منطقه انتخاب و با ۳۰ پاسخگو در هر بلوک مصاحبه شد.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

ترس از جرم: علیرغم چند دهه پژوهش و بحث، پژوهشگران هنوز بر تعریفی از ترس از جرم به توافق نرسیده‌اند. مساله عمده برای مفهوم سازی ترس از جرم مصادیق فراوان اصطلاح جرم است. بیشتر پژوهش‌هایی که پیرامون ترس از جرم انجام شده‌اند نشان می‌دهند که جرایم خشونت آمیز علیه اشخاص مثل ازار جنسی و تجاوز به عنف و جرایم علیه اموال همچون سرقت هراس انگیزترند (Yousef, 1994). ترس از جرم بر مبنای تحقیق یوسف (۱۹۹۴) عبارت است از «نگرانی فرد از بزه‌دیدگی». ابعاد ترس از جرم عبارت اند از احساس امنیت و نگرانی درباره جرم (Warr, 2000: 453). ابعاد ترس از جرم در سطحی ترتیبی و در طیف پاسخ خیلی کم تا خیلی زیاد مورد سنجش قرار گرفته‌اند. گویه‌های مربوط به ترس از جرم و با الهام از تحقیق یوسف (۱۹۹۴) و بیات (۱۳۸۷ الف) انتخاب شدند (نگاه کنید به جدول پیوست ۱).

بی‌نظمی اجتماعی: بی‌نظمی هر جنبه‌ای از محیط فیزیکی و اجتماعی است که برای هر ناظری نشان دهنده (۱) فقدان کنترل بر محیط و (۲) فقدان توجه به ارزش‌ها و خواسته‌های دیگرانی است که در فضا سهم هستند. بی‌نظمی‌ها تخلف از معیارهای اجتماع هستند که نشانگر فرسایش هنجارها و ارزش‌هایی اند که به طور سنتی پذیرفته شده‌اند. نشانه‌های بی‌نظمی عبارتند از نشانه‌های اجتماعی و نشانه‌های فیزیکی (Frital etal., 2007: 8-9). نشانه‌های آشکار بی‌نظمی اجتماعی شامل افرادی که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، مستی در انظار عمومی، خرید و فروش مواد مخدر، تکدی‌گری، افراد کارتن خواب و امثال این‌هاست. بی‌نظمی فیزیکی هم به ظاهر محله اشاره دارد. مکان‌های با سطوح بالای بی‌نظمی فیزیکی مکان‌هایی هستند که در آنها شلوغی، ساختمان‌های متروکه،

دیوار نبشته، وجود زباله در جوی‌ها و امثالهم معمول است. بی‌نظمی محلات به شرایطی اشاره دارد که ساکنان آنها را به عنوان نشانه‌های گسست تلقی می‌کنند. منظور از بی‌نظمی، بی‌نظمی‌های درک شده بوسیله ساکنان است. به همین دلیل ممکن است دو نفر در یک محله مشابه، توصیفات متفاوتی از محله شان داشته باشند (Ross & Joon Jang, 2000: 402-403). در این تحقیق متغیر بی‌نظمی هم در سطح تحلیل کلان دیده شده و دو منظره ۳ و ۱۲ به ترتیب به عنوان مناطق دارای بی‌نظمی کم و زیاد بررسی شده‌اند؛ و هم در سطح تحلیل فرد بررسی شده است. مورد اخیر به صورت پدیده‌ای ادراک شده توسط افراد است که با گویه‌هایی در سطحی ترتیبی و در یک طیف پاسخ از خیلی کم تا خیلی زیاد مورد آزمون قرار گرفته است. گویه‌های این متغیر در جدول ۱ پیوست آمده است.

پیوند محله‌ای: پیوند محله‌ای ناظر به فرایندهایی اجتماعی است شامل، ارتباطات اجتماعی و احساس انسجام و یگانگی با اجتماع (Baur, 2007: 7). ابعاد پیوند محله‌ای عبارت‌اند از احساس دلبستگی به اجتماع و روابط محله‌ای. این ابعاد با ۱۰ گویه سنجیده شده‌اند (Schweizer et al, 1999: 9-10).

تنوع قومی و زبانی: تنوع قومی - زبانی از یک سو به ناهمگونی جمعیت‌ها اشاره دارد و از سوی دیگر به ناتوانی مردم برای تفسیر رفتارها و شیوه‌های زندگی افرادی که - اعمالشان را متفاوت با زندگی خود می‌دانند. مردم اغلب معتقدند که دیگران در ارزش‌های - آنها سهم نیستند و تعهدی به اجتماع ندارند (Lane & Meeker, 2005: 429). این متغیر هم با گویه‌هایی که در جدول پیوست معرفی شده‌اند سنجیده شده است.

نگرانی اجتماعی: نگرانی اجتماعی بیش از هر چیز نگرانی درباره‌ی زوال اجتماع است (Lane & Meeker, 2005: 436). سطح سنجش متغیر نگرانی اجتماعی، ترتیبی می‌باشد و با ۴ گویه به شرحی که در جدول پیوست آمده سنجیده شده است.

اعتبار و پایایی: آزمون مقدماتی با حجم ۳۰ نفر در مناطق ۳ و ۱۲ به اجرا در آمد و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای همه سنجه‌ها رضایت بخش (بیش از ۰/۷، نگاه کنید به جدول پیوست) بود. اعتبار معرف‌ها و ابزار سنجش، با

روش اعتبار‌صوری و محتوایی و با نظر اساتید متخصص احراز شد. همان طور که پرسش‌های مورد استفاده از تحقیقات پیشین (Yousef, 1994؛ بیات، ۱۳۸۷ الف) اقتباس شدند و اعتبار این سنجه‌ها در آن تحقیقات هم با روش اعتبار‌صوری، محتوایی، و معیار تایید شده بود.

یافته‌ها

خصوصیات دموگرافیک: نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، شامل ۳۰۰ نفر بود که از این تعداد ۵۰٫۷ درصد مرد و ۴۹٫۳ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی ۴۱٫۸ درصد جمعیت بین ۱۵-۲۹ سال، ۴۰٫۸ درصد ۳۰-۴۹ سال و ۱۷٫۴ درصد بین ۵۰-۷۹ سال قرار داشتند. از لحاظ وضعیت تاهل ۶۱ درصد متاهل، ۳۸٫۳ مجرد و ۰٫۷ مطلقه بودند. از نظر میزان تحصیلات ۵۲٫۲ درصد در سطح دبیرستان، ۳۲٫۸ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۱۵ درصد سیکل و زیر سیکل بودند. از نظر درآمد، ۲۷٫۷ درصد پاسخگویان درآمد خود را زیر ۳۰۰ هزار تومان، ۳۹٫۷ درصد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و ۳۲٫۶ درصد بالای ۵۰۰ هزار تومان اعلام داشته‌اند. پراکندگی پاسخگویان از نظر درآمد و تحصیلات دقیقاً مطابق با انتظار بود به طوری که در منطقه ۳ بیش از نیمی (۵۱٫۳ درصد) از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی و ۶۰ درصد دارای درآمد بیش از ۵۰۰ هزار تومان بودند در حالی که این نسبت‌ها در منطقه ۱۲ به ترتیب ۱۳ درصد و ۵ درصد بود.

بی‌سازمانی اجتماعی: میانگین سنجه‌های ابعاد مختلف متغیر احساس بی‌سازمانی اجتماعی به تفکیک منطقه در جدول شماره ۱ آمده است. یافته‌ها حاکی از آن است که به استثنای متغیر پیوند محله‌ای در همه متغیرها یا ابعاد بی‌سازمانی ساکنان منطقه ۳ شرایط مناسبتری داشته‌اند. به عبارت دیگر احساس بی‌نظمی، تنوع خرده فرهنگی، و نگرانی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۳ کمتر از ساکنان منطقه ۱۲ است. همچنین احساس تعلق خاطر به محله، و نگرش مثبت نسبت به پلیس در بین ساکنان منطقه ۳ بیش از ساکنان منطقه ۱۲ است. فقط از نظر پیوند محله‌ای (پیوند با همسایه) ساکنان منطقه ۱۲ وضع و

شرایط مناسبتری دارند. از نظر تجربه بزه‌دیدگی خود یا نزدیکان، میانگین منطقه ۳ اندکی بیشتر بود ولی این تفاوت از نظر آماری معنادار نبود.

جدول ۱. میانگین متغیرهای مربوط به بی‌سازمانی به تفکیک دو منطقه مورد مطالعه

منطقه ۱۲	منطقه ۳	متغیرها*
۲/۸۰	۲/۳۱	بی‌نظمی اجتماعی
۳,۱۶	۳/۳۸	تعلق خاطر به محله
۳/۱۲	۲/۹۱	پیوند محله‌ای (با همسایگان)
۳/۱۲	۳/۰۳	تنوع خرده فرهنگی
۲/۲۷	۲/۹۵	نگرانی اجتماعی
۲/۶۱	۲/۹۰	نگرس نسبت به عملکرد پلیس
۱/۷۳	۱/۸۳	تجربه بزه‌دیدگی

* میانگین‌ها در دامنه ۱ تا ۵ است.

ترس از جرم: ترس از جرم با دو بعد احساس امنیت و نگرانی از وقوع جرم سنجیده شده است. شاخص کل احساس احساس امنیت حاکی از پایین بودن احساس امنیت در میان مردم است. بر مبنای این شاخص، تنها ۱۳,۴ درصد پاسخگویان احساس امنیتشان را خیلی زیاد و ۱۲,۴ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، ۲۶,۴ درصد پاسخگویان احساس امنیتی در حد کم و ۳۰,۵ درصد در حد خیلی کم داشته‌اند. با وجود این احساس امنیت در ارتباط با موقعیت‌ها و موضوعات مختلف متفاوت است و در مجموع بیشترین احساس امنیت مربوط به فضاهای عمومی در شب می‌باشد (نگاه کنید به جدول ۲ پیوست). همچنین ساکنان دو منطقه مورد مطالعه هم احساس امنیت کاملاً متفاوتی دارند. از نظر نگرانی از وقوع جرم، به ترتیب ۱۸,۳ درصد و ۱۶,۵ درصد در حد خیلی زیاد و زیاد نگران هستند و به ترتیب ۲۱,۱ درصد و ۲۲,۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد احساس نگرانی دارند. میزان نگرانی در ارتباط با جرایم مختلف و نیز از نظر منطقه‌ای

م تفاوت است (نگاه کنید به جدول ۳ پیوست). پاسخگویان بیش از هر چیز نگران کیف قاپی و جیب بری، سرقت اموال و اشیا از منزل و سرقت قطعات وسیله نقلیه بوده‌اند. در مقابل میزان نگرانی پاسخگویان از تجاوز و آدم ربایی در پایین‌ترین سطح قرار دارد. شاید یکی از علل این امر، عینی بودن بیشتر جرایمی از قبیل جیب بری و کیف قاپی باشد. احتمالاً برای افراد بیشتر پیش می‌آید که شاهد یا درگیر کیف قاپی و ... باشند تا آدم ربایی و تجاوز.

جدول ۲. فراوانی شاخص ترس از جرم به تفکیک منطقه

منطقه ۱۲			منطقه ۳			ابعاد ترس از جرم
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۸	۱۶	۷۶	۵۶	۳	۴۱	احساس امنیت
۶۸	۱۲	۲۰	۲۸	۳۰	۴۲	نگرانی از جرم

یافته‌های تبیینی

با توجه به اینکه دو منطقه ۳ و ۱۲ به ترتیب به عنوان نمونه‌هایی از دو منطقه دارای بی‌سازمانی فیزیکی و اجتماعی کم و زیاد انتخاب شده بودند، انتظار تئوریک مطرح شده این بود که میزان ترس از جرم در منطقه ۳ کمتر از منطقه ۱۲ باشد. یافته‌های این تحقیق با این انتظار کاملاً هماهنگ بود. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد احساس امنیت در بین پاسخگویان منطقه ۳ به مراتب بیشتر از پاسخگویان منطقه ۱۲ است. در حالی که در منطقه ۱۲ فقط ۸ درصد احساس امنیت بالایی دارند این احساس در منطقه ۱۳ حدود ۷ برابر است یعنی ۵۶ درصد است. با آنکه تفاوت ساکنان دو منطقه از حیث نگرانی از جرم کمتر از احساس امنیت است اما باز هم الگوی مشابهی به چشم می‌خورد. بیش از دو سوم (۶۸ درصد) ساکنان منطقه ۱۲ به میزان زیادی از جرم نگران بوده‌اند در حالی که فقط کمتر از یک سوم (۲۸ درصد) ساکنان منطقه ۳ در حد زیادی نگران وقوع جرم بوده‌اند. برای آزمون رابطه متغیر وابسته ترس از جرم (ترکیب احساس امنیت و نگرانی از جرم) با ابعاد متغیر بی‌سازمانی اجتماعی از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد.

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بی‌نظمی اجتماعی دارای قوی‌ترین رابطه با ترس از جرم است و بعد آن متغیر نگرانی اجتماعی قرار دارد. این رابطه در جهت پیش‌بینی شده در فرضیه‌هاست یعنی با افزایش احساس بی‌نظمی اجتماعی و نگرانی اجتماعی در افراد ترس آنها از بزه‌دیدگی و احساس عدم امنیت هم افزایش می‌یابد. میزان تعلق خاطر به محله و روابط محله‌ای رابطه ضعیف تری با ترس از جرم دارند و این رابطه مثبت، یعنی خلاف انتظار فرضیه‌ای است. ممکن است این امر ناشی از ویژگی خاص دو منطقه باشد. منطقه ۱۲ در مقایسه با منطقه ۳ منطقه فقیر نشینی است که میزان بی‌نظمی اجتماعی و ترس از جرم در آن بیشتر از منطقه ۳ است اما به دلیل ترکیب جمعیتی مهاجر و سستی‌تر بودن بافت اجتماعی آن، روابط اجتماعی و محله‌ای در بین ساکنان آن بیشتر از منطقه ۳ است. این امر باعث شده روابط اجتماعی با ترس از جرم رابطه مثبت داشته باشد. رضایت از پلیس هم با ترس از جرم رابطه معکوسی تقریباً با همان شدت رابطه روابط اجتماعی و ترس از جرم داشت. به این معنی که کسانی که نگرش مثبت تری نسبت به عملکرد پلیس دارند کمتر احساس ترس از جرم دارند.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین ابعاد بی‌سازمانی و ترس از جرم

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری (دو طرفه)
تعلق خاطر به اجتماع	۰/۱۷۴	۰/۰۰۳
میزان روابط اجتماعی	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰
بی‌نظمی اجتماعی	۰/۳۲۹	۰/۰۰۰
نگرانی اجتماعی	۰/۲۳۶	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد پلیس	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۱

نتایج رگرسیون چند متغیره ابعاد بی‌سازمانی که به روش گام به گام (stepwise) محاسبه شده در جدول شماره ۴ آمده است. ضریب همبستگی چندگانه بین این پنج متغیر (ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی) و ترس از جرم ۰,۴۷ و ضریب تعیین (R^2) ۰,۲۲ است. یعنی

پنج متغیر احساس بی‌نظمی، تعلق خاطر به اجتماع، احساس نگرانی، روابط اجتماعی، رضایت از پلیس ۲۲ درصد از تغییرات متغیر ترس از جرم را تبیین می‌کنند و بقیه تغییرات آن توسط سایر متغیرهای اجتماعی و فردی تبیین می‌شود. در معادله رگرسیون بعد از کنترل اثر سایر متغیرها، همه ابعاد بی‌نظمی رابطه معناداری با ترس از جرم داشتند. بی‌نظمی دارای بیشترین تاثیر (بتای ۰,۳۴) بر ترس از جرم بود و پس از آن نگرانی اجتماعی قرار داشت (بتای ۰,۲۳). اثر سایر متغیرها کمتر از این دو متغیر و تقریباً برابر بود (بتای بین ۰,۱۲ تا ۰,۱۶).

جدول ۴: ضرایب رگرسیون ابعاد بی‌سازمانی و ترس از جرم

متغیر مستقل	ضریب بتا	معناداری (دو طرفه)
احساس بی‌نظمی	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰
تعلق خاطر به محله	۰/۱۲۵	۰/۰۲۷
نگرانی اجتماعی	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰
روابط محله ای	۰/۱۵۷	۰/۰۰۵
رضایت از پلیس	-۰/۱۳۴	۰/۰۱۴
	$R^2 = 0.22$	$R = 0.47$

بحث و نتیجه گیری

این مقاله به دنبال آزمون دلالت‌های نظریه بی‌سازمانی اجتماعی و فیزیکی برای ترس از جرم بود. به همین دلیل ساکنان منطقه ۳ با ساکنان منطقه ۱۲ از نظر ترس از جرم و بی‌سازمانی و بی‌نظمی ادراک شده مقایسه شدند. یافته‌ها نشان داد احساس بی‌نظمی، تنوع خرده فرهنگی، و نگرانی اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۳ کمتر از ساکنان منطقه ۱۲ است. همچنین احساس تعلق خاطر به محله، و نگرش مثبت نسبت به پلیس در بین ساکنان منطقه ۳ بیش از ساکنان منطقه ۱۲ است. فقط از نظر پیوند محله‌ای (پیوند با همسایه) ساکنان منطقه ۱۲ وضع و شرایط مناسبتری دارند. این یافته‌ها با انتظارات نظری هماهنگ است. منطقه ۳ به عنوان منطقه‌ای مرفه، بر اساس اظهارات مطلعان شهری، یکی از مناطق

سازمان یافته از نظر فیزیکی و اجتماعی است. در حالی که منطقه ۱۲ در نقطه مقابل آن قرار دارد. این سازمان یافتگی عینی در ذهنیت (نگرش و احساس) ساکنان نسبت به سازمان یافتگی و نظم محله‌ای بازتاب پیدا کرده است و ساکنان منطقه ۳ در مقایسه با ساکنان منطقه ۱۲ احساس بی‌سازمانی کمتری دارند. منطقه ۱۲ در عین حال با بافت مهاجرینی که عمدتاً از شهرهای کوچک و روستاها هستند، دارای بافت فرهنگی و اجتماعی سنتی‌تری است. به همین دلیل، روابط همسایگی در این منطقه بیشتر از منطقه ۳ می‌باشد. احساس امنیت و احساس نگرانی از جرم هم در بین پاسخگویان منطقه ۳ به مراتب بیشتر از پاسخگویان منطقه ۱۲ است. در منطقه ۱۲ فقط ۸ درصد احساس امنیت بالایی دارند در حالی که این احساس در منطقه ۱۳ به ۵۶ درصد می‌رسد. در مقابل، ۶۸ درصد ساکنان منطقه ۱۲ به میزان زیادی از جرم نگران بوده‌اند در حالی که فقط ۲۸ درصد. ساکنان منطقه ۳ چنین بوده‌اند. این در حالی است که تجربه بزه‌دیدگی در بین ساکنان دو منطقه تقریباً یکسان بود.

متغیرهای بی‌سازمانی و بی‌نظمی ادراک شده فیزیکی و اجتماعی هم با ترس از جرم رابطه معناداری داشتند. ضرایب همبستگی و رگرسیونی نشان داد که احساس بی‌نظمی و نگرانی اجتماعی قوی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر ترس از جرم بودند (بتای به ترتیب ۰,۳۴ و ۰,۲۳). این یافته‌ها با یافته‌های تحقیقات پیشین خارجی (Crank & Gia Comazzi, 2003; Lane & Meeker, 2005: 630; Yousef, 1994; Jashua Hinkel, 2005) و محدود تحقیقات داخلی که تا حدی به این موضوع پرداخته‌اند (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۳۲) هماهنگ می‌باشد و مویدی قوی برای نظریه بی‌سازمانی و نظریه پنجره‌های شکسته در تبیین ترس از جرم است.

دلالت‌های کاربردی این تحقیق توجه بیشتر مدیران شهری و انتظامی به امر سازمان یافتگی فیزیکی و اجتماعی در محله است. بازسازی و انتظام بخشی فضاها و ساختمان و معابر عمومی و کنترل انتظامی حصور و رفتار مجرمان، ولگردان، معتادان و کارتن خواب‌ها می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در تقویت احساس سازمان یافتگی محیط در بین شهروندان و

کاهش احساس ترس از جرم در بین آنان داشته باشد. با وجود این، مقایسه دو منطقه ۳ و ۱۲ از نظر وضع پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنانش می‌تواند دلالت دیگری هم داشته باشد. در منطقه ۳ حدود نیمی (۵۱,۳ درصد) از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی و ۶۰ درصد دارای درآمد بیش از ۵۰۰ هزار تومان بودند، در حالی که این نسبت‌ها در منطقه ۱۲ به ترتیب ۱۳ درصد و ۵ درصد بود. بر این اساس، شاید بتوان نتیجه گرفت که اگر منطقه ۳ سازمان یافته‌تر است و ساکنانش احساس بی‌سازمانی و نگرانی کمتری دارند، و در نتیجه ترس از جرم در بین آنان کمتر از ساکنان منطقه ۱۲ است، صرفاً به دلیل فعالیت‌های سازمان‌های مدیریت شهری در سازماندهی فیزیکی و اجتماعی این منطقه و نیز به دلیل کنترل انتظامی و پلیسی بیشتر این منطقه نیست. این‌ها خود نتیجه سطح رفاه بالاتر ساکنان این منطقه است. بنابراین، طرح‌های سازمان‌یابی محله‌ها و مناطق باید در چارچوب سیاست کلان فقرزدایی و رونق اقتصادی این مناطق دیده شود و در این راستا صرفاً به آراستگی ظاهری و کنترل انتظامی اکتفا نشود.

در این تحقیق به دلیل محدودیت‌هایی که وجود داشت، فقط دو منطقه از شهر تهران بررسی شدند. تحقیقات بعدی با مطالعه مناطق بیشتری می‌توانند امکان مقایسه را افزایش دهند و با اطلاعات گسترده تری داعیه‌های نظری و کاربردی مطرح شده در این مقاله را آزمون نمایند. تازگی و کم‌شماری بودن تحقیقات مربوط به ترس از جرم در ایران، اقتضا می‌کند تا تحقیقات تجربی بیشتری در این زمینه انجام شود. همچنین در این تحقیق اعتبار ابزار سنجش به خصوص ترس از جرم به عنوان یک مفهوم نسبتاً تازه در پژوهش‌های ایرانی با اعتبار صوری و محتوا و با اتکا به پژوهش‌های پیشین تامین شد. همچنین برای آزمون پایایی فقط از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پیشنهاد می‌شود مفهوم ترس از جرم در تحقیقات آینده با روش‌های کمی دقیق‌تر آزمون اعتبار و پایایی مثل تحلیل و عامل‌بازآزمایی بررسی شود تا ابعاد و نیز ثبات زمانی آن با دقت تجربی بیشتری تعیین گردند.

جدول پیوست، گویه‌ها و آلفای کرونباخ سنجه‌های مورد استفاده

بی‌سازمانی اجتماعی	ترس از جرم
<p>بی‌نظمی</p> <p>در محله شما هر یک از موارد زیر تا چه حد وجود دارد؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. استفاده یا خرید و فروش مواد مخدر ۲. مستی و عریضه کشی در انظار عمومی ۳. افراد کارتن خواب ۴. متکدیان ۵. همسایه‌های پر سر و صدا ۶. جوانان ونوجوانان پرسه زن ۷. خانه‌های نیمه ساخته و مخروبه ۸. پرت کردن زباله در پیاده‌روها و جوی‌ها ۹. دیوار نبشته‌ها ۱۰. آسیب رساندن به اموال عمومی ۱۱. سد معبر توسط دستفروش‌ها یا دوره گردها ۱۲. تاریکی پیاده روها و معابر <p>آلفا = ۰,۸۸</p> <p>احساس تعلق محله‌ای</p> <p>در مورد احساس شما نسبت به محله‌تان هر کدام از موارد زیر تا چه میزان صادق است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. من خودم را عضوی از این محله می‌دانم ۲. من محله‌ام را همچون خانواده خود می‌پندارم ۳. من در فعالیت‌های مشترک محله (مانند برگزاری جشن‌ها یا هیئت‌های عزاداری) شرکت می‌کنم. ۴. من سعی می‌کنم محله‌ام را تمیز نگه‌دارم. ۵. من نسبت به آنچه در محله‌ام می‌گذرد، حساسیت نشان می‌دهم. <p>آلفا = ۰,۷۰</p>	<p>احساس امنیت</p> <p>در محله‌ای که زندگی می‌کنید، در هر یک از موارد زیر تا چه حد احساس امنیت می‌کنید؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. تنها بودن در خانه در طول روز ۲. تنها بودن در خانه در طول شب ۳. بیرون رفتن از خانه در طول روز به تنهایی ۴. تردد در خیابان در هنگام شب به تنهایی ۵. خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز ۶. حمل پول نقد ۷. تردد با ماشین‌های مسافر کش شخصی در شب ۸. پارک اتومبیل برای زمان طولانی در خیابان ۹. پذیرفتن خوراکی یا هدیه از افراد ناشناس ۱۰. دوستی با افراد غریبه ۱۱. حضور در پارک‌ها و مراکز تفریحی در شب <p>آلفا = ۰,۸۴</p> <p>نگرانی از وقوع جرم و بزه‌دیدگی</p> <p>نگرانی شما از مواجهه شدن با هر یک از موارد زیر تا چه حد است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. سرقت اموال و اشیا از منزل ۲. کیف چاقی و جیب بری ۳. کتک خوردن توسط افراد ناشناس ۴. آدم ربایی ۵. مورد تعدی و تجاوز قرار گرفتن ۶. سرقت قطعات وسیله نقلیه شخصی (ماشین، موتور ...) ۷. سرقت وسیله نقلیه شخصی (ماشین، موتور ...) <p>آلفا = ۰,۸۵</p>

روابط محله‌ای (همسایه‌ای)	نگرش نسبت به پلیس
<p>در مورد روابط شما با همسایه‌هایتان هر کدام از موارد زیر تا چه میزان صادق است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. همدیگر را می‌شناسیم ۲. با هم در مورد مسائل محله گفتگو می‌کنیم. ۳. به یکدیگر اعتماد داریم. ۴. هر یک از ما، مراقب اموال و فرزندان دیگران نیز هستیم. ۵. در مواقع ضروری به همدیگر کمک می‌کنیم. <p>آلفا = ۰,۸۴</p>	<p>نظر شما در مورد عملکرد پلیس در هر یک از موارد زیر چیست؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. پاسخگویی و سرعت عمل پلیس ۲. نحوه برخورد پلیس با مردم ۳. قاطعیت پلیس در برخورد با اراذل و اوباش ۴. برخورد با عوامل توزیع و مصرف مواد مخدر ۵. حضور گشت‌های پلیس در خیابان‌ها ۶. برخورد پلیس با اموری همچون تکی‌گری، جیب‌بری و کیف‌قاپی، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان و ... <p>آلفا = ۰,۸۳</p>
<p>تنوع قومی</p> <p>در مورد محله شما هر یک از موارد زیر تا چه میزان صادق است؟</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. در این محله افراد با قومیت‌های مختلف زندگی می‌کنند. ۲. در این محله عامل بیشتر بی‌نظمی‌ها ساکنان غیر بومی هستند ۳. در این محله جرایم بیشتر توسط ساکنان غیر بومی اتفاق می‌افتد. ۴. در این محله هر سال مهاجران زیادی می‌آیند و می‌روند ۵. در این محله اینقدر آدم‌های جدید می‌آیند و می‌روند که آدم نمی‌تواند درست همسایه‌هایش را بشناسد. <p>آلفا = ۰,۷۰</p>	<p>نگرانی اجتماعی</p> <p>به عقیده شما میزان جرم در محله نسبت به گذشته چه تغییری کرده است؟</p> <p>به نظر شما وضعیت امنیت محله نسبت به گذشته چه تغییری کرده است؟</p> <p>میزان تمایل شما برای ادامه سکونت در این محله چقدر است؟</p> <p>در مجموع میزان رضایت شما از آرامش و امنیت محل سکونت تان چقدر است؟</p> <p>آلفا = ۰,۷۳</p>

- بیات، بهرام. (۱۳۸۷ الف)، تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، پایان نامه دکترای رشته جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷ ب)، «تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تاکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۵: ۱۱۵-۱۳۲.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴)، ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت در تهران»، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۲)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی. (۱۳۸۷)، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، در مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۳۶۹-۳۲۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی. (۱۳۸۸)، «بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۶: ۱۲۵-۱۵۲.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی. (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲: ۱۰۹-۱۳۲.
- غفاری غلامرضا. (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم»، مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از جرم با رویکردی جامعه شناختی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۲۸۹-۲۶۳.
- Bnaks, Mark (2005), Spaces Of Insecurity: Media And Fear Of Crime In A Local Context, *Crime, Media and Cultur*, Vol 1(2).
- Brenda, S. A. and Yeoh Yeow (1997), Where Women Fear to Tread: Images of Danger and the Effects of Fear of Crime in Singapore, *Geo Journal*, No 43.
- Chricos, T. (1997), Racial Composition of Neighborhood and Fear of Crime, *Criminology*, No 35: 107-129.
- Crank, John and Andrew, Gia Comazzi (2003), Fear of Crime in Nonurban Setting, *Journal of Criminal Justic*, 31.
- Evans, David and Fletcher Mike (2000), Fear of Crime: Testing Alternative Hypotheses, *Applied Geography*, 20.

- Farrall, Stephen et al. (2007), Theorizing the Fear of Crime: The Cultural and Social Significance of Insecurities about Crime, **Working pres.**, No 5.
- Furedi, Frank (2007), The only Thing we Have to Fear is the Culture of Fear Itself, **American Journal of Sociology**, 32: 231-234.
- Grabosky, PN (1995), Fear of Crime and Fear Reduction Strategies, Australia: Australian Institution of Criminology.
- Grohe, Bonnie Rae (2006), Perceptions of Crime, Fear of Crime and Defensible Space in Fortworth Neighborhoods, Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy, University of Texas At Arlington.
- Hale, C. (1996), "Fear of Crime: A Review of the Literature, **International Review of Victimology**, 4: 79-150.
- Hinkel, Joshua C. (2005), The Impact Disorder on Fear Crime: A Test of the First Link of Broken Windows, University of Mary Land, College Park for degree of Master of Arts.
- Hwang, Gab Eui (2006), Multi Level Test of Fear of Crime: The Effect of Social Conditions, Perceived Community Policing Activities and Perceived Risks of Victimization in a Megapolis, A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Mishigan State University.
- Lane, Jodi and James W Meeker (2005), Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Lathinos: A Replication and Extension of Prior Research, **Journal of Criminal Justic**, Vol. 33.
- Lewis, Dane and Salem, Greta (1986), Fear of Crime: Incivility and the Production of a Social Problem, New Jersey: Transaction Books.
- Ross, Catherin and Sung Joon jang (2000), Neighborhood Disorder Fear and Mistrust: The Buffering Role of Social Ties with Neighbors, **American Journal Community Psychology**, Vol. 28: 403-421.
- Schweitzer, John, June Woo Kim and Juliette R. Mackin (1999), The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods, **Journal of Urban Technology**, Vol. 6.
- Short, J. F. (1984), The Social Fabric at Risk, *American sociological Review*, No. 48: 711-725.
- Simon, Janathan (2001), Fear and Loathing Late Modernity, **Punishment and Society**, Vol 3. 21-33
- Warr, Mark (2000), Fear of Crime in the United States: Avenues for Research and Policy, **Analysis of Crime and Justic**, Vol. 4.
- Yousef Abdollah (1994), Fear of Crime, A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Mississippi University.